



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Text Worlds of the Story of "Aghabala and Company Limited Child" by Sadegh Hedayat Based on Cognitive Poetics Approach

B. Vahabian¹, M. Dehghan^{2 *}, E. Badakhshan², A. Korani¹

1- Department of English Language and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2- Department of English and Linguistics, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 26 November 2020
Reviewed: 30 December 2020
Revised: 14 January 2020
Accepted: 28 February 2021

KEYWORDS

Text Worlds Theory,
cognitive poetics approach,
discourse world, sub-world,
Sadegh Hedayat

*Corresponding Author

✉ m.dehghan@uok.ac.ir

☎ (+98 87) 33664600

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The aim of the present study was to investigate the worlds of text in the story "Aghabala and Company Limited Child" written by Sadegh Hedayat based on Werth's (1999) Text Worlds Theory in cognitive poetics approach. This is a new approach that connects the wider world of literature to linguistics.

METHODOLOGY: The data were collected by the library method from the above story, and analyzed using descriptive-analytic method. The authors seek to show how this approach can identify the underlying semantic layers of this story; and to what extent the writer has used this model to advance his story.

FINDINGS: This work of Hedayat is one of his humorous works. In particular, Hedayat's humor is a bitter one, and it is certainly not possible to claim exactly who the audience of his humor is. Also, he expresses his intentions and goals not explicitly, but in humor and by masterfully using the principles of humor.

CONCLUSION: The results showed that the theory of text worlds is used to identify the hidden semantic layers of the story and the writer's mind. The findings also showed that among the world-building elements, Hedayat has mostly used "simple past tense" among different tenses, the element of the "house" among different places, and the element of "narrative" among function-advancing propositions, as well as the "epistemic sub-world" among those three sub-worlds in this theory to influence his words in the minds and souls of the audience.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5696](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5696)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 13	 18	 4

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

جهانهای متن داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی لیمیتد» اثر صادق هدایت براساس رویکرد شعرشناسی شناختی

بهناز وهابیان^۱، مسعود دهقان^{۲*}، ابراهیم بدخشان^۲، اکرم کرانی^۱

۱- گروه زبان انگلیسی و زبانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی جهانهای متن در داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی لیمیتد»، اثر صادق هدایت براساس انگاره جهانهای متن ورث (۱۹۹۹) در رویکرد شعرشناسی شناختی انجام گرفته است. این رویکرد پل جدیدی است که دنیای وسیع ادبیات را به علم زبانشناسی متصل میکند.

روش مطالعه: داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از متن داستان مذکور گردآوری شده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. نگارندگان در پی آن هستند که نشان دهند از این رویکرد چگونه میتوان درجهت شناخت لایه‌های زیرین کلام نویسنده بهره برد و اینکه هدایت در این داستان از انگاره جهانهای متن برای پیشبرد داستان چگونه و به چه میزان بهره برده است.

یافته‌ها: این اثر هدایت در زمره آثار طنز اوست. بطور خاص، طنز هدایت طنزی است تلخ و نمیتوان بطور یقین ادعا کرد که مخاطب طنزش دقیقاً چه شخص یا اشخاصی هستند، و مقاصد و اهداف خود را نه صراحتاً، بلکه در طنز و با بهره‌گیری استادانه از اصول طنزنویسی بیان میکند.

نتیجه‌گیری: از انگاره جهانهای متن برای شناخت لایه‌های پنهان داستان و ذهن نویسنده میتوان بهره برد. هدایت در بین عناصر جهان‌ساز از زمان «گذشته ساده» در بین زمانها، عنصر «خانه» در بین مکانها، و از بین گزاره‌های نقش‌گستر از عنصر «روایی» و از بین جهانهای زیرشمول از «جهان معرفت‌شناختی» بیشترین بهره را برده تا سبب نفوذ کلامش در ذهن و روح مخاطب شود.

تاریخ دریافت: ۰۶ آذر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۰ دی ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۵ دی ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۰ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

انگاره جهانهای متن،
شعرشناسی شناختی، جهان گفتمان،
جهان زیرشمول، صادق هدایت.

* نویسنده مسئول:

✉ m.dehghan@uok.ac.ir

☎ ۳۳۶۶۴۶۰۰ (۸۷ ۹۸+)

مقدمه

از جمله مطرحترین اندیشه‌های معرفی‌شده در معنی‌شناسی شناختی که این روزها طرفداران بسیاری دارد، میتوان به شعرشناسی شناختی^۱ اشاره کرد که در تحلیل متون ادبی استفاده میشود. تسر^۲ (۱۹۸۳) برای اولین بار از این اصطلاح در تعریف رویکرد نظری و روش‌شناسی خود در شعر استفاده کرد. شعرشناسی شناختی مبتنی بر یک انگاره معنایی است که بواسطه پژوهشهای اخیر در زبانشناسی شناختی گسترش داده شده است و پاسخ بحثهای بسیاری را که انگاره ادبی در گذشته با آن روبرو بوده است میدهد، مانند دلیل آوردن برای قابلیت یک متن ادبی برای شکل دادن معانی بسیار و یا تبیین آنچه منتقدان ادبی انجام میدهند، هنگامی که یک متن ادبی را تفسیر میکنند. شعرشناسی شناختی شامل فرآیند شناختی است که روی هم‌رفته دارای ابعاد بافتی/ فرهنگی چیزی است که زلاتو^۳ (۱۹۹۷) آن را «درک بدنمند^۴» نامیده است (فریمن^۵، ۲۰۰۰). انگاره جهانهای متن^۶ یکی از شاخه‌های این رویکرد است که از سه لایه برخوردار است: جهان گفتمان^۷، جهان متن^۸ و جهان زیرشمول. انگاره جهانهای متن بطور منسجم در سنت زبانشناسی شناختی واقع شده است. این انگاره براساس اصول اساسی تجربه‌گرایی بوده و بر فرآیندهای ارتباطی انسانها متمرکز است. ورث^۹ پایه‌گذار این انگاره، در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوائل دهه ۱۹۹۰ چارچوب جهان متن را تشکیل داد. او معتقد بود به ابداع روشی نائل آمده است که تمامی فرآیندهای تولید و تفسیر همه صورتهای ارتباطی افراد را دربر میگیرد. تا آن زمان، ورث تنها شالوده اساسی انگاره جهانهای متن را بصورت منتشرشده بنا نهاد، اگرچه او پیش از مرگش پیش‌نویس کتابی را با عنوان *جهانهای متن: بازنمایی فضای مفهومی در گفتمان* بشکل آماده کپی در نظر گرفته بود. این متن که توسط منتشرکنندگان ورث در پذیرش اولیه درخواست شده موجود نیست، دارای اهمیت آکادمیک لازم برای تخمین کار ویرایش بیشتر و گسترده‌تر مورد نیاز برای انتشار مجلد مکتوب است. این کار توسط شورت^{۱۰} در دانشگاه لانکستر بین ۸ – ۱۹۹۵ صورت گرفته و شامل تغییراتی در پیش‌نویس ورث است. علی‌رغم مرگ خالق این کتاب، انگاره جهان متن به عرصه ظهور رسید و توجه بسیاری از جوامع آکادمیک را به خود جلب کرد. این انگاره در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های زبانشناسی، سبک‌شناسی، شعرشناسی شناختی، روایت‌شناسی و انگاره ادبی اکنون شامل رویکرد جهانهای متن بعنوان بخشی در برنامه درسی بوده و تعداد فزاینده‌ای از دوره‌های اختصاصی درباره انگاره جهانهای متن بصورت متوالی ایجاد شده است.

روش مطالعه

ماهیت روش شناختی پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش مشتمل بر متن «قضیه آقابالا و

1. cognitive poetics
2. R. Tsur
3. J. Zlatev
4. embodied cognition
5. M. H. Freeman
6. Text World Theory
7. Discourse world
8. Text world
9. P. Werth
10. M. Short

اولاده کمپانی لیمیتد» اثر صادق هدایت است. نوآوری این پژوهش در این است که تاکنون داستانهای صادق هدایت براساس انگاره جهانهای متن در رویکرد شناختی مورد واکاوی قرار نگرفته‌اند.

سابقه پژوهش

شایان ذکر است که تحلیل انگاره جهانهای متن با رویکرد شعرشناسی شناختی پیشینه کمی دارد. به همین دلیل، این گزارش از یک سو به مطالعات شناختی مرتبط و از سوی دیگر به مطالعات زبانشناسی ادبیات داستانی منحصر می‌گردد. به باور افراشی (۱۳۹۵) جهانهای متن بازمودهایی ذهنی هستند که از جهان گفتمان پدید می‌آیند. وی با بهره‌گیری از انگاره جهانهای متن و تحلیل جهانهای متن فرعی به این نتیجه رسید که در *داستان وداع* جهانهای فرعی اشاره‌ای و نگرشی بسیار محدودند و در مقابل، جهان معرفت‌شناسی از فراوانی بیشتری برخوردار است. گلفام و همکاران (۱۳۹۱) بیان کرده‌اند که شعرشناسی شناختی تفوق و برتری بالایی بر نظریه نقد ادبی دارد. آنها به بررسی چگونگی بهره‌گیری خواننده از جهان متن برای درک و تفسیر متن پرداخته‌اند. صادقی اصفهانی (۱۳۹۰) بر ناکارآمد بودن انگاره‌های ادبی در تفسیر داستان اشاره کرده و نشان داده است که هر داستانی را میتوان با استفاده از انگاره جهانهای متن مورد بررسی قرار داد. داوینگ^۱ (۲۰۰۳) با استفاده از انگاره جهانهای متن به بررسی گفتمان تبلیغات پرداخته و تنها یک مدل جهان متن را برای توصیف، کافی دانسته است که همان روش گفتمانی است. لاهی^۲ (۲۰۰۴) بیان میدارد که در نظریه جهانهای ممکن در سالهای اخیر درخصوص متون ادبی، ابزار جدیدی برای تحلیل متون ادبی و درک آنها بوجود آمده است که نظریه جهانهای متن نام دارد. گیووانلی^۳ (۲۰۱۳) اشعار «کیتس» را از منظر رؤیاها و کابوسهای شناختی مورد بررسی قرار داده و در تحلیل متن به چهار نکته مهم توجه کرده است: سبک‌شناسی، نظریه ادبی، روانشناسی شناختی، و نظریه رؤیاها. این پژوهش با مطرح کردن سبک‌شناسی شناختی، اشعار را به روشی جدید تفسیر کرده است، بطوریکه نگرشی جدید به خواننده میدهد. همچنین کانینگ^۴ (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر سبکهای ادبی بر روی زبان پرداخته و درصدد است نشان دهد خوانندگان چرا و چگونه تصویر ذهنی ایجاد میکنند. نتایج این بررسی همچنین، به اثبات غنی‌شدگی اجتماعی و شخصی سبکهای ادبی منجر شد.

بحث و بررسی

انگاره جهانهای متن

انگاره جهانهای متن یک مدل از پردازش زبان انسانی است که براساس مفاهیم بازنمایی ذهنی مشاهده‌شده در روانشناسی شناختی بوده و اصول تجربه‌گرایی زبانشناسی شناختی را به اشتراک میگذارد؛ زیرا آنچه انگاره جهانهای متن را منحصر بفرد میکند، کاربرد جامع اصول شناختی آن در امر تحلیل است. انگاره جهانهای متن چارچوبی گفتمانی است. این بدان معناست که توجه آن نه تنها به متنی خاص، بلکه به بافت پیرامون آن نیز هست که بر تولید و پذیرش آن تأثیر میگذارند.

1.L. H. Downing

2.E. Lahey

3.M. Giovanelli

4.P. Canning

انگاره جهانهای متن برای نظم‌بخشی به پیچیدگیهای موجود در بافت گفتمان، آن را به سطوح مشخص مفهومی تقسیم میکند. اولین سطح جهان گفتمان است که با موقعیت آنی سروکار دارد و انسانها را به هنگام ارتباط با یکدیگر احاطه میکند. حضور هوشیارانه حداقل یک گوینده یا نویسنده و یک یا بیش از یک شنونده یا خواننده در این سطح ضروری است. این به آن دلیل است که جهان گفتمان شامل نه تنها مشارکان گفتمان و دیگر اشیاء پیرامون آن است، بلکه دربرگیرنده همه دانش شخصی و فرهنگی آنان نیز میباشد. بنابراین اولین سطح انگاره جهانهای متن ابزاری را جهت تشخیص تأثیر بالقوه عوامل متنی برای درک و ساختار یک گفتمان ارائه میدهد. هنگامی که بشر در جهان گفتمان به ارتباط با یکدیگر میپردازد، بازنماییهای ذهنی را در ذهن خود شکل میدهد، بطوریکه زبان تولیدشده قابل درک باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد، این بازنماییهای ذهنی جهانهای متن نامیده میشوند. دومین سطح از انگاره جهانهای متن بر حوزه مفهومی متمرکز بوده و چارچوبی را ارائه میدهد که از خلل آن ساختار دقیق و تأثیرات شناختی بازنماییهای ذهنی فردی قابل آزمایش باشد. نکته کلیدی در رویکرد جهانهای متن، اشاره دقیق به جزئیات در جهانهای متنی جهت درک گفتمان است که غالباً به اندازه جهان گفتمانی که از آن سرچشمه میگیرند غنی از جزئیات هستند.

شعرشناسی شناختی بعنوان رشته‌ای نوظهور، یکی از آخرین پیشرفتهای عرصه مطالعات شناختی و ادبیات بحساب می‌آید. این رویکرد به رابطه ذهن انسان با متون ادبی میپردازد و بمثابة پلی میان مطالعات ادبی و زبانشناسی عمل میکند. براساس این رویکرد، متون ادبی صرفاً برای ایجاد معنا و انتقال فکر نیستند، بلکه کیفیتهای احساسی دریافتی بواسطه خواننده را نشان میدهند. انگاره جهانهای متن رویکردی شناختی در شعرشناسی شناختی است که برای نظم‌بخشی به پیچیدگیهای موجود در بافت گفتمان، آن را به سطوح مشخص مفهومی تقسیم میکند. این سطوح عبارتند از: جهان گفتمان، جهان متن و جهان زیرشمول. اولین سطح، جهان گفتمان است که با موقعیت آنی سروکار دارد و بافت موقعیتی بلافصل گوینده یا نویسنده و نیز مخاطبان را شکل میدهد. جهان گفتمان نه تنها مشارکین در ارتباط و تمام عناصر بافت بلافصل آنها را فرامیگیرد، بلکه تمام دانش شخصی و فرهنگی را که آنها با خود به رویداد زبانی می‌آورند نیز شامل میشود و لایه جهان گفتمان براساس احساسات و باورهای شخصیت‌های داستان شکل میگیرد (ورث، ۱۹۹۹). به باور گاوینز (۲۰۰۷) هنگامی که انسانها در جهان گفتمان با یکدیگر ارتباط برقرار میکنند، بازنماییهای ذهنی را در ذهن خود شکل میدهند، بطوریکه قابل درک باشد، این بازنماییهای ذهنی «جهانهای متن» نامیده میشوند. در لایه دوم، جهان متن قرار دارد و در آن فقط اطلاعاتی که بافت داستانی را شکل میدهند، حضور دارند. در این لایه، رویکرد شعرشناسی شناختی با تکیه بر تحلیل خواننده‌محور، سازوکار لازم را برای درک متن فراهم میکند. چنین تحلیل خواننده‌محوری را میتوان برآمده از تجربیات او دانست که با قاب‌بندی ذهن و ساخت طرح‌واره^۱ از موقعیتهای پیش‌آمده در گذشته، قادر به درک تکه‌های زبانی میشود. همچنین عناصر اصلی‌ای که جهانهای متن را شکل میدهند، عناصر جهان‌ساز^۲ نام دارند. استاک‌ول^۳ (۲۰۰۲) این عناصر جهان‌ساز را در انگاره جهانهای متن به چهار دسته تقسیم کرده است که این چهار عنصر درواقع بخشی از عناصر داستانی را تشکیل میدهند که در جدول زیر نمایش داده شده است.

1. schemata
2. world-building
3. P. Stockwel

جدول ۱. عناصر جهان‌ساز (Stockwel, 2002:137)

زمان	مکان	شخصیت‌ها ^۱	اشیاء ^۲
زمان صرفی فعل	قیدهای مکانی	گروه اسمی	گروه اسمی
نظام وجه فعلها	بندهای مکانی	ضمیرها	ضمیرها
قیدهای زمانی ^۳	گروه اسمی مکانی خاص		
بندهای قیدی ^۴			

رکن دیگر شکل‌گیری جهانهای متن، گزاره‌های نقش‌گستر هستند که باعث حرکت روایت یا پویایی درون جهان متن میشوند و شامل فعلهایی هستند که شخصیتها را در مقابل یکدیگر و در برابر اشیاء پیرامونشان در صحنه‌ای توصیف میکنند، کنشی را بتصویر میکشند و یا بحثی را مطرح میکنند و در نتیجه باعث ساخته‌شدن کنشها^۵، رویدادها^۶، حالتها و فرایندها و هر استدلال و اسناد^۷ مرتبط با اشیاء و شخصیتها در جهان متن میشوند (Gavins, 2007:132). به باور استاک‌ول (2002) نقش‌گسترها به انواعی همچون روایی^۸، توصیفی^۹، گفتمانی^{۱۰} و دستوری^{۱۱} تقسیم میشوند و هر کدام دارای اسناد، کارکرد^{۱۲} و کارگفت^{۱۳} خاصی هستند. انواع متن، انواع اسناد، کارکرد هریک از انواع متن و نیز کارگفتهایشان در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. گزاره‌های نقش‌گستر^{۱۴} (Stockwel, 2002:138)

نوع متن	نوع اسناد	نوع کارکرد	کارگفت
روایی	کنش، رویداد	پیرنگ‌گستر ^{۱۵}	گزارش ^{۱۶} ، برشمردن ^{۱۷}

- 1.characters
- 2.objects
- 3.temporal adverbs
- 4.adverbial clauses
- 5.actions
- 6.events
- 7.predicate
- 8.narrative
- 9.descriptive
- 10.discursive
- 11.instructive
- 12.function
- 13.speech act
- 14.function-advancing propositions
- 15.plot-advancing
- 16.report
- 17.recount

توصیفی: صحنه شخص ^۱ روال عادی ^۲	حالت ^۳ حالت، وصفی ^۴ عادت ^۵	صحنه گستر ^۶ شخص گستر ^۷ عادت گستر ^۸	توصیف صحنه ^۹ توصیف شخصیت ^{۱۰} توصیف عادت ^{۱۱}
گفتمانی	ربطی ^{۱۲}	موضوع گستر ^{۱۳}	فرض ^{۱۴} ، نتیجه ^{۱۵}
دستوری	امری ^{۱۶}	هدف گستر ^{۱۷}	درخواست ^{۱۸} ، فرمان ^{۱۹}

در لایه سوم، جهانهای زیرشمول، تنوعی را در متنیت جهان موردنظر بدون ایجاد گسست در جهان متن جاری پدید می آورند. برای نمونه، عقب گرد در روایت، جهان زیرشمول درونی شده ای را شکل میدهد و بمحض تمام - شدن آن دوباره نظر خواننده به جهان متن اصلی معطوف میگردد (استاکول، ۲۰۰۲: ۱۴۰). همچنین براساس سومین سطح انگاره جهانهای متن، هر زمان مرزهای زمانی یک جهان متن تغییر کند و ساخت جهان متن جدیدی توسط مشارکان گفتمان برای درک حوزه زمانی مشخص شود، انتقال جهانی به یک حوزه زمانی جدید رخ داده است. گاهی مکان داستان نیز تغییر کرده که به تشکیل جهان متن دیگری منجر میشود. در برخی موارد نیز عقب گردهای شخصیت های داستان که تغییرات زمانی و گاه مکانی را بدنبال خود دارند، به پدید آمدن جهان متن جدیدی ختم میشوند. همچنین آوردن نقل قول های مستقیم از موارد دیگری است که جهان متن جدیدی را به همراه تغییر در زمان، مکان و شخصیت های داستان بوجود می آورد (گاوینز، ۲۰۰۷). تصور ما از فضایی که گفتمان در آن شکل میگیرد، برگرفته از مقولات اشاره ای مانند، مقولات مکانی (در شفیلد، پایین پله ها، خارج از

-
1. person
 2. routine
 3. state
 4. attribute
 5. habitual
 6. scene-advancing
 7. person-advancing
 8. routine-advancing
 9. describe scene
 10. describe character
 11. describe routine
 12. relational
 13. argument-advancing
 14. postulate
 15. conclude
 16. imperative
 17. goal-advancing
 18. request
 19. command

*مواردی که در درون جداول با خط فاصله (-) نشان داده شده است به معنای عدم حضور گزاره خاصی در آن خانه میباشد.

کشور)، قیدهای مکانی (اینجا، آنجا)، ضمائر اشاره (اینها، آنها) و افعال حرکتی (آمدن، رفتن) است (همان).

بررسی عناصر جهانهای متن در داستان

در این بخش، ابتدا سطح جهان گفتمان از داستان را مورد بررسی قرار خواهیم داد و پس از آن به بررسی عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در سطح جهان متن از منظر انگاره جهانهای متن می‌پردازیم. در ادامه جهانهای زیرشمول در این قضیه داستانی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سطح جهان گفتمان

نوشتن این داستان در چند مرحله با پرشهای چندساله اتفاق افتاده که طولانیترین آن هجده سال طول کشیده است. راوی در این داستان بیشتر به نقد عقاید و روش زندگی یهودیان سنتی (البته آن چیزی که در مورد یهودیان نقل میشود) می‌پردازد، و گاه بیمحابا حتی کاری مثل دزدیدن از سکه‌های نقره را نیز در نزد آنها موجه و اخلاقی قلمداد میکند. بطور کلی فضا سازی داستان توصیف و تشریح نظام خانوادگی و کسب و کار خانواده‌های یهودی و نقد تند عقاید و باورهای آنهاست که این کار را نه بصورت نقد و روایت از زبان راوی، بلکه با نقل قول مستقیم از جانب شخصیت‌های یهودی داستان انجام میدهد. همچنین شخصیت‌های این داستان از ملاحظ نظر، سارا، ربکا، آقا بالا، کسبه و اهالی محل شکل گرفته است.

سطح جهان متن

در سطح جهان متن به بررسی عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر در داستان مذکور خواهیم پرداخت. داستان از کوچه پس‌کوچه‌های تهران شروع شده و در مغازه بزرگ آقابالا خاتمه می‌یابد. شخصیت اصلی داستان از ابتدا تا انتها یکی نیست و حالتی شناور دارد. ابتدا ملاحظ نظر است که در نیمه داستان فوت میکند و از این به بعد دو شخصیت سارا و آقابالا به موازات هم پیش می‌روند. در ابتدای بخش دوم داستان، نقش سارا بعنوان شخصیت اصلی داستان برجسته‌تر است، اما در اواخر داستان این آقابالا است که جای سارا را می‌گیرد. عناصر جهان‌ساز و نقش‌گستر در خدمت جهان متن شخصیت‌های داستان هستند.

ملاحظ نظر تمام روز توبره به دوش، عرق‌ریزان عصازنان، دور کوچه پس‌کوچه‌های تهران فریاد می‌زد:

«آی زری، یراق، کلاه، قبا، آر خلق می‌خریم» «نمد کهنه، لحاف کهنه، گلیم پاره می‌خریم»

جدول ۳. عناصر جهان‌ساز در بند اول داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
گذشته استمراری (وجه اخباری): فریاد می‌زد	دور کوچه پس‌کوچه‌های تهران	ملاحظ نظر	-
حال اخباری (وجه اخباری): می‌خریم می‌خریم	دور کوچه پس‌کوچه‌های تهران دور کوچه پس‌کوچه‌های تهران	ملاحظ نظر ملاحظ نظر	زری، یراق، کلاه، قبا نمد کهنه، لحاف کهنه، گلیم پاره

شخصیت داستان ملاحق نظر است و مکان از جای همیشگی او آغاز میشود. اشیای بند آغازین حاکی از شغل ملاحق نظر دارد و آنچه وی برای بدست آوردن آنها در تلاش همیشگی است. کاربرد گذشته استمراری و بدنبال آن حال اخباری، بر فلاکت مدام او از گذشته تا حال اشاره میکند.

جدول ۴. گزاره‌های نقش گستر در بند اول داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	نوع کارکرد	کارگفت
ملاحق نظر تمام روز توبره به دوش ... کوچه پس کوچه‌های تهران فریاد میزد:	روایی	کنشی	پیرنگ گستر	گزارش
«آی زری، یراق، کلاه، قبا، آر خلق میخریم»	توصیفی: روال عادی	عادتی	عادت گستر	توصیف عادت (شغل)
«نمد کهنه، لحاف کهنه، گلیم‌پاره میخریم.»	توصیفی: روال عادی	عادتی	عادت گستر	توصیف عادت (شغل)

گزاره کارگفت در توصیف شغل شخصیت اصلی است و گزاره کارکرد در خدمت بیان جریان همیشگی کار او میباشد.

سر شب که به خانه برمیکشت، توبره‌اش را خالی میکرد و چیزهایی که خریده بود یکی یکی با احتیاط برمیداشت، وزن میکرد، بو میکرد، واری می نمود و پشت و روی آن را با دقت دم چراغ میدید، تا مبدا کلاه سرش رفته باشد. بعد سر قیمت آنها با زنش سارا مشورت مینمود؛ چه او هم مثل شوهرش دلال بود و در این قبیل کارها سر رشته داشت. اغلب بعد از تبادل افکار از روی رضایت ریش‌بزی خاکستریش را تکان میداد، و چشمهای ریز پر مکرش از لای پلکهای ناسور از خوشحالی میدرخشید.

جدول ۵. عناصر جهان‌ساز در بند دوم داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
سر شب (قید زمان)	خانه	ملاحق نظر	-
گذشته ساده (وجه اخباری): دلال بود داشت	- -	سارا سارا	- -
گذشته استمراری (وجه اخباری): برمیکشت	خانه خانه	ملاحق نظر ملاحق نظر	- چیزهایی که خریده بود

برمیداشت	خانه	ملاحق‌نظر	چیزهایی که خریده بود
وزن میکرد	خانه	ملاحق‌نظر	چیزهایی که خریده بود
بو میکرد	خانه	ملاحق‌نظر	چیزهایی که خریده بود
وارسی مینمود	خانه	ملاحق‌نظر	چیزهایی که خریده بود
میدید	خانه	ملاحق‌نظر	-
مشورت مینمود	خانه	ملاحق‌نظر	ریش
تکان میداد	خانه	ملاحق‌نظر	-
میدرخشید			
گذشته التزامی (وجه التزامی): رفته باشد	-	ملاحق‌نظر	کلاه

بهره‌گیری از زمان گذشته استمراری در محیط خانه و وجود اشیایی که در هر جمله ذکر گردیده به تکرار روزهای بی‌روح و یکنواخت زندگی ملاحق‌نظر اشاره دارد.

جدول ۶. گزاره‌های نقش‌گستر در بند دوم داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	نوع کارکرد	کارگفت
سر شب که به خانه برمیگشت، ... مشورت مینمود؛	توصیفی: روال عادی	عادتی	عادت‌گستر	توصیف عادت
او هم مثل شوهرش دلال بود و از این قبیل کارها سر رشته داشت.	توصیفی: شخص	وصفی	شخص‌گستر	توصیف شخصیت
اغلب ... میدرخشید.	توصیفی: روال عادی	عادتی	عادت‌گستر	توصیف عادت

در هر جمله، توصیف شخصیت و بیان عادت، گزاره‌هایی برای عادی جلوه دادن روال زندگی ملاحق‌نظر هستند. یک روز غروب که وارد خانه شد، دید دسته‌ای از خویشان در حیاط کوچک او جمع شده بودند، صدای آه و ناله سارا گوش فلک را کر میکرد، ربکا خاله‌اش او را که دید جلو دوید و گفت: «مشتاق مرا بده، زنت پسر زاپیده!»

جدول ۷. عناصر جهان‌ساز در بند سوم داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
یک روز غروب (قید زمان)	خانه	ملاحق‌نظر	-
گذشته ساده (وجه اخباری): وارد شد	خانه	ملاحق‌نظر	-
دید	-	ملاحق‌نظر	-

دید	-	ربقا خاله	-
دوید	-	ربقا خاله	-
گفت	-	ربقا خاله	-
گذشته کامل (وجه اخباری): جمع شده بودند	حیات خانه	خویشاوندان	-
گذشته استمراری (وجه اخباری): کر میکرد	-	سارا	-
وجه امر: بده	-	سارا	-
حال کامل (وجه اخباری): زاییده (است)	-	زن ملاحق نظر (سارا)	-

تعداد زیاد فعلهای گذشته ساده برای بیان اتفاق آنی است که افتاده و حضور شخصیت‌های متنوع در این بند نشان‌دهنده سردرگمی و مبهمی ملاحق نظر از دیدن افراد در منزل است. هیچ شیئی دیده نمیشود؛ چراکه اکنون ملاحق نظر در قیدوبند وضعیت روزهای گذشته نیست.

جدول ۸. گزاره‌های نقش‌گستر در بند سوم داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
ملاحق نظر... وارد خانه شد	روایی	کنش	پیرنگ‌گستر	گزارش
دسته‌ای از خویشان در حیات کوچک او جمع شده بودند	توصیفی: صحنه	کنش حالت	پیرنگ‌گستر صحنه‌گستر	گزارش توصیف صحنه
صدای آه و ناله سارا گوش فلک را کر میکرد (درونگیری: صدای زن در حال زایمان)	توصیفی: صحنه گفتمانی	حالت ربطی	صحنه‌گستر موضوع‌گستر	توصیف صحنه نتیجه
ربقا خاله‌اش او را که دید جلو دوید	روایی توصیفی: صحنه	کنش حالت	پیرنگ‌گستر صحنه‌گستر	گزارش توصیف صحنه
مشعلق مرا بده	دستوری	امری	هدف‌گستر	درخواست
زنت پسر زاییده	روایی	کنش	پیرنگ‌گستر	گزارش

گزاره‌های نقش‌گستر این بند اغلب توصیفی هستند. در واقع نویسنده از این گزاره‌ها بهره گرفته تا بزرگترین

اتفاق زندگی شخصیت داستانش به بهترین نحو ممکن را توصیف کند. «ملاحق‌نظر به عصایش تکیه کرد، پشت خمیده خود را راست کرد و لبخند روی لبهای قهوه‌ای‌رنگ باریکش نقش بست». بعد آه عمیقی کشید و از خوشحالی اشک در چشمانش پر شد.

جدول ۹. عناصر جهان‌ساز در بند چهارم داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
گذشته ساده (وجه اخباری):	حیات خانه	ملاحق‌نظر	عصا
تکیه کرد	-	ملاحق‌نظر	-
راست کرد	روی لبها	ملاحق‌نظر	-
نقش بست	-	ملاحق‌نظر	-
آه کشید	چشمانش	ملاحق‌نظر	اشک
پرشد			

در بخش اشیاء، «عصا» بیانگر روزگار بسررسیده ملاحق‌نظر است و «اشک» امیدی است که وی به فرزند تازه به دنیا آمده‌اش بسته است. در بخش مکان، فضای شاد حیات، به ناگهان بصورت ملاحق‌نظر انتقال مییابد.

جدول ۱۰. گزاره‌های نقش‌گستر در بند چهارم داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
ملاحق‌نظر ... به عصایش تکیه زد	روایی	کنش	پیرنگ‌گستر	گزارش
ملاحق‌نظر ... پشت خمیده خود را راست کرد (درونگیری: ملاحق‌نظر خیالش آسوده شد)	توصیفی: شخص	کنش حالت	پیرنگ‌گستر شخص‌گستر	گزارش توصیف شخصیت

بند، گزارش و توصیفی است از محیط و شخص؛ کنشها در گزاره اسناد بیانگر حرکت دوربین ذهن خواننده از جسم ملاحق‌نظر به تفکرات وی است. در واقع نویسنده، جای خواننده را در دو موقعیت فکر و وضعیت جسمی شخصیت داستان مدام تغییر میدهد. «سه‌شب و سه روز جشن گرفت، شیلان کشید، داد در مسجدشان به آواز بلند تورات خواندند، و برای شام هم دو تا کله ماهی خرید. اسم مولود جدید را آقا بالا گذاشت و از فردا اهل محله در راه و نیمه راه جلو او را میگرفتند و تبریک میگفتند. ملاحق‌نظر از این پیش آمد دو سه سال جوان شد، با گامهای محکم راه میرفت، زبان را دور دهانش میگرداند و میگفت: زری، یراق، قبا، آر خلق، زیرجامه میخریم، نمد کهنه، گلیم‌پاره، دشبک کهنه، لحاف پاره میخریم».

جدول ۱۱. عناصر جهان ساز در بند پنجم داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
سه شب و سه روز (قید زمان)	-	آنها	-
گذشته ساده (وجه اخباری): آه کشید جشن گرفت شیلان کشید داد خواندند خرید گذاشت جوان شد	- - - - مسجد - - -	ملاحق نظر ملاحق نظر ملاحق نظر ملاحق نظر ملاحق نظر - ملاحق نظر ملاحق نظر	- - - - - کله ماهی - -
فردا (قید زمان)	راه و نیمه راه، جلو	اهل محله	-
گذشته استمراری (وجه اخباری): میگرفتند تبریک میگفتند راه میرفت زبان میگرداند میگفت	محله - - دوردهان -	مردم مردم ملاحق نظر ملاحق نظر ملاحق نظر	- - - زبان -
حال اخباری (وجه اخباری): میخریم میخریم	- -	ملاحق نظر ملاحق نظر	زری، یراق، کلاه، قبا نمد کهنه، لحاف کهنه، گلیم پاره

شخصیت اصلی ملاحق نظر است، اما نه ملاحق نظر ابتدای داستان بلکه کسی که اکنون نویسنده از زمان گذشته استمراری بهره میگیرد تا خوشبختی وی را توصیف کند و نه زندگی یکنواخت و کسالت آور وی را.

جدول ۱۲. گزاره‌های نقش‌گستر در بند پنجم

جمله	نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
بعد آه عمیقی کشید و از خوشحالی اشک در چشمانش پر شد- ... اسم مولود جدید را آقابالا گذاشت و از فردا اهل محله در راه و نیمه‌راه جلو او را می‌گرفتند و تبریک می‌گفتند	روایی	کنشی	پیرنگ‌گستر	گزارش
ملاحق‌نظر از این پیش‌آمد دو سه سال جوان شد، با گام‌های محکم راه میرفت، زبان را دور دهانش می‌گرداند و می‌گفت:	توصیفی: شخص	حالت، وصفی	شخص‌گستر	توصیف شخصیت
«آی زری، یراق، کلاه، قبا، آر خلق می‌خریم»	توصیفی: روال عادی	عادتی	عادت‌گستر	توصیف عادت (شغل)
«نمد کهنه، لحاف کهنه، گلیم‌پاره می‌خریم.»	توصیفی: روال عادی	عادتی	عادت‌گستر	توصیف عادت (شغل)

همه گزاره‌های نقش‌گستر در خدمت بیان عادت هستند، اما این عادت متفاوت از عادت ابتدای داستان است. در اینجا از این گزاره‌ها بهره گرفته است تا به توصیف ملاحق‌نظری متفاوت از ابتدای داستان بپردازد.

«حق هم داشت، چه هر کسی بجای ملاحق‌نظر بود و سر ۶۶ سالگی از زن ۴۴ ساله بچه پیدا میکرد آن هم پسر، خدا را بنده نبود، حالا ملاحق‌نظر اجاقش روشن شده بود، در خانه‌اش باز میماند و بعد از خودش پولی را که به خون جگر جمع کرده بود پسرش به جریان می‌انداخت و بر آن می‌افزود. از آن روز به بعد او و زنش فکر و ذهنی نداشتند، مگر آینده آقابالا. شبها را با سارا در این خصوص مشورت میکرد. چیزی که او را متوحش کرده بود، این بود که روزگار تغییر کرده بود، راههای پرمفعتتری رندان پیدا کرده بودند: دلالی دور خانه‌ها تبدیل شده بود به مغازه‌های بزرگ؛ «کهنه قبا- زری - آر خلقی» اسمش را عتیقه‌فروش گذاشته بود؛ معامله‌های بزرگ پیدا میشد؛ چیزهای صد دیناری یک‌لادولا فروخته میشد. ملاحق‌نظر این ترقی را حس کرده بود. میدانست که او و زنش قدیمیند و کسب آنها قدیمی است. ولی از طرف دیگر، عشق زندگی آباء و اجدادیم را پایبند محله کرده بود، و هر وقت این خیالات برایش پیدا میشد مثل این بود که از غیب صدایی سرزبانی به او میگفت: «هر که از این محله رفت هرهری مذهب شد!»

جدول ۱۳. عناصر جهان ساز در بند ششم داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
گذشته ساده (وجه اخباری): حق داشت بنده نبود نداشتند رفت هرهری مذهب شد	- - - محله -	ملاحق نظر - ملاحق نظر و سارا هر کسی هر کسی	- - - - -
گذشته استمراری (وجه اخباری): پیدا میکرد باز میماند می انداخت می افزود مشورت میکرد معامله میشد فروخته میشد پیدا میشد میگفت	- - - - - - - - -	ملاحق نظر بچه پسر ملاحق نظر پسر ملاحق نظر ملاحق نظر - - ملاحق نظر صدای غیبی	در خانه پول پول - - چیزهای صد دیناری - - -
گذشته کامل (وجه اخباری): روشن شده بود جمع کرده بود متوحش کرده بود تغییر کرده بود پیدا کرده بودند تبدیل شده بود گذاشته بود حس کرده بود پایبند کرده بود	- - - - - مغازه های بزرگ - - محله	ملاحق نظر ملاحق نظر ملاحق نظر روزگار - دلایلی... - ملاحق نظر ملاحق نظر	- پول - - - - - -
حال ساده (وجه اخباری): قدیمیند (قدیمی) است	- -	ملاحق نظر و زنش کسب و کارشان	- -

بسامد زمان گذشته بعید فزونی یافته است و این نشانه خوبی برای وضعیت موجود ملاحق نظر و خانواده اش نمیتواند باشد؛ چراکه این زمان بیانگر فاصله زمانی زیاد بین افکار نویسنده و زمان حال موجود است. وجود

اشیایی نظیر پول و مکانهایی مثل مغازه‌های بزرگ نشان از تغییر مجدد افکار ملاحق‌نظر از تولد بچه به مادیات و همچنین ایجاد فاصله بین گذشته شخصیت کنونی او دارد.

جدول ۱۴. گزاره‌های نقش‌گستر در بند ششم داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	نوع کارکرد	کارگفت
حق هم داشت، چه هر کسی بجای ملاحق‌نظر بود و سر شصت‌وشش سالگی از زن چهل‌وچهار ساله بچه پیدا میکرد آن هم پسر، خدا را بنده نبود،	گفتمانی	ربطی	موضوع‌گستر	نتیجه
حالا ملاحق‌نظر اجاقش روشن شده بود،	روایی	رویداد	پیرنگ‌گستر	گزارش
در خانه‌اش باز میماند و بعد از خودش پولی را که به خون جگر جمع کرده بود پسرش به جریان می‌انداخت و بر آن می‌افزود.	گفتمانی	ربطی	موضوع‌گستر	نتیجه
از آن روز به بعد او و زنش فکر و ذهنی نداشتند مگر آینده آقابالا	توصیفی: شخص	حالت	شخص‌گستر	توصیف شخصیت
شبها را با سارا در این خصوص مشورت میکرد	توصیفی: روال عادی	عاداتی	عادت‌گستر	توصیف عادت
چیزی که او را متوحش کرده بود این بود که روزگار تغییر کرده بود	روایی	رویداد	پیرنگ‌گستر	گزارش
راه‌های پرمفعت‌تری رندان پیدا کرده بودند: دلالی دور خانه‌ها تبدیل شده بود به مغازه‌های بزرگ	روایی	رویداد	پیرنگ‌گستر	گزارش
هر که از این محله رفت هرهری مذهب شد.	روایی	رویداد	پیرنگ‌گستر	گزارش

کارگفت نتیجه در ابتدا بیان میشود اما آنچه باز هم بر گزاره‌های این بخش حاکم میشود همان عادت سابق است. نگرانی مادی اکنون مجدد در ذهن ملاحق‌نظر و سارا جریان دارد، اما نه نگرانی سابق بلکه بزرگتر و رویاپردازانه-تر. «از اینرو ملاحق‌نظر میل داشت که آقابالا تورات بخوان بشود که هم به درد دنیا و هم به درد آخرتش بخورد. ولی سارا که چشم‌گوشش باز شده بود و در خانه اعیان شهر رفت و آمد داشت، متجددتر از شوهرش بود. عقیده‌اش این بود که به آقابالا سرمایه بدهند و در خیابانهای خوب شهر مغازه خرازی باز بکند».

جدول ۱۵. عناصر جهان ساز در بند هفتم داستان

زمان	مکان	شخصیتها	اشیاء
گذشته ساده (وجه اخباری): میل داشت آمد و رفت داشت متجددتر بود	- خانه اعیان -	ملاحق نظر سارا سارا	- - -
گذشته بعید (وجه اخباری): باز شده بود	-	سارا	-
حال التزامی (وجه التزامی): بشود بدرد بخورد (سرمایه) بدهند باز بکند	- - - خیابان های خوب مغازه	پسر - ملاحق نظر و زنش پسر	- - - -

در این بند حضور شخصیت ملاحق نظر در کنار سارا برای بیان تقابل و اختلاف نظر است. همچنانکه بهره گیری زیاد از زمان حال التزامی نیز بیانگر آرزوهای دو شخصیت داستان است.

جدول ۱۶. گزاره های نقش گستر در بند هفتم داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
از اینرو ملاحق نظر میل داشت که آقابالا تورات خوان بشود.	توصیفی: شخص	حالت	شخص گستر	توصیف شخصیت
که هم به درد دنیا و هم به درد آخرتش بخورد.	گفتمانی	ربطی	موضوع گستر	نتیجه
ولی سارا که چشم گوشش باز شده بود و در خانه اعیان شهر رفت و آمد داشت، متجددتر از شوهرش بود.	توصیفی: شخص	حالت	شخص گستر	توصیف شخصیت
عقیده اش این بود.	توصیفی: شخص	حالت	شخص گستر	توصیف شخصیت
که به آقابالا سرمایه بدهند و در خیابانهای خوب شهر مغازه خرازی باز بکند.	گفتمانی	ربطی	موضوع گستر	فرض

در این بند توصیف‌ها در خدمت شخصیت غایب مکالمه هستند. در واقع این توصیف‌ها فرضی‌ضمنی را بیان میکنند. «اول که بچه زبان باز کرد گفت. «پول!» و این مایه امیدواری پدر و مادرش شد، فهمیدند که تخم حلال است. ولی مباحثه پیشه آینده آقابالا سالها بین ملاحق‌نظر و زنش بطول انجامید. وقتی که آقابالا شش‌ساله شد، اغلب نصایح پدرش را راجع به ثروت، پول، ترتیب بدست آوردن آن، جلب مشتری، طرز چانه زدن، بازارگرایی، جنگ زرگری و غیره با گوش و هوش میشنید و در همان سن لایق بود که با اقتصاديون درجه‌اول دنیا داخل مباحثه بشود».

جدول ۱۷. عناصر جهان‌ساز در بند هشتم داستان

زمان	مکان	شخصیت‌ها	اشیاء
گذشته ساده (وجه اخباری):	-	پسر	-
باز کرد	-	پسر	پول
گفت	-	پسر	-
شد	-	ملاحق‌نظر و سارا	-
فهمیدند	-	پسر	تخم
است	-	آقابالا، ملاحق‌نظر و سارا	-
بطول انجامید	-	آقابالا	-
شد	-	آقابالا	پول - گوش
میشنید	-	-	-
بود	-	-	-
حال التزامی (وجه التزامی):	-	اقتصاديون	-
داخل مباحثه بشود	-	-	-
حال ساده (وجه اخباری):	-	بچه	-
است	-	-	-

اکنون که داستان بپیش می‌رود، شخصیت نیز گویی همپای روند رو به جلو داستان رشد میکند؛ به نوعی که فرزند خانواده (آقابالا) شخصیت اصلی این بند میگردد. همزمان با رشد وی اشیای مادی و ارزشمند نیز افزون میشوند تا تفکر پولدوستی حاکم بر داستان نیز آشکارتر شود.

جدول ۱۸. گزاره‌های نقش‌گستر در بند هشتم داستان

جمله	نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
اول که بچه زبان باز کرد گفت. «پول!»	روایی	رویداد	پیرنگ-گستر	گزارش
این مایه امیدواری پدر و مادرش شد فهمیدند که تخم حلال است	روایی	رویداد	پیرنگ-گستر	گزارش
مباحثه پیشه آینده آقابالا سالها بین ملاحق‌نظر و زنش بطول انجامید	روایی	رویداد	پیرنگ-گستر	گزارش
وقتی که آقابالا شش‌ساله شد، اغلب نصایح پدرش را راجع به ثروت، پول، ترتیب بدست آوردن آن، جلب مشتری، طرز چانه زدن، بازارگرایی، جنگ زرگری و غیره با گوش و هوش میشنید	توصیفی: روال عادی	عادت	عادت-گستر	توصیف عادت
در همان سن لایق بود که با اقتصاديون درجه‌اول دنيا داخل مباحثه بشود.	توصیفی: شخص	حالت	شخص-گستر	توصیف شخصیت

گزاره‌های این بند در خدمت توصیف آقابالا هستند و در جمله پایانی، نویسنده زبان آروزی ملاحق‌نظر و سارا میشود.

جهانهای زیرشمول

در هر گفتمانی، تغییر از فضایی به فضای دیگر رخ میدهد. این تغییرات با تغییر در عواملی همچون زمان و مکان صورت میگیرد. ورث (۱۹۹۹) معتقد است که جهانهای زیرشمول به سه دسته کلی تقسیم میشوند که در ذیل به تفصیل آنها خواهیم پرداخت.

الف. جهان زیرشمول اشاره‌ای^۱: این جهان زمانی شکل میگیرد که یا مشارکین در گفتمان و یا شخصیت‌های داستان از زمان، مکان و اشیاء جهان متن به زمان، مکان و اشیاء دیگری اشاره کنند. چنین اشاره‌های گذشته‌نگر یا آینده‌نگری از طریق کاربرد فعلی مانند *بیاد آوردن* یا گروه‌های قیدی مانند *آن زمانها*، در *آینده* و جز آن شکل

میگیرد. ورث (۱۹۹۹: ۲۲۱) به نقش نقل‌قول مستقیم در شکل‌دهی به جهان زیرشمول اشاره‌ای می‌پردازد. در نقل‌قول‌های مستقیم، هم زمان دستوری دستخوش تغییر میشود و هم زاویه دید شرکت‌کننده در گفتمان یا شخصیتی در داستان تغییر پیدا میکند.

ب. جهان زیرشمول نگرشی^۱: این جهان، با اشاره‌های متنی به آرزوها، باورها و اهداف مشارکان شکل میگیرد. ج. جهان زیرشمول معرفت‌شناختی^۲: انگاره جهانهای متن با اتکاء به این ابزار میتواند به ابعاد امکان و احتمال در متن روایی دست پیدا کند. گاوینز (۲۰۰۷) جملات شرطی، قیدهای خاص باید، شاید و ممکن / است، ایجاد ساخت استعاری، تکرار و حتی فعلی همچون فرض‌کردن را نیز دارای توان ایجاد جهان زیرشمول معرفت‌شناسی در نظر میگیرد. این نشانه‌های متنی به فرض یا اندیشه‌ای، بجز آنچه ظاهراً از متن دریافت میشود، باز میگردند و از این جهت مهم هستند که نشانه‌هایی برای اندیشه زیربنایی متن بشمار می‌آیند.

اکنون برای شناسایی جهانهای زیرشمول، در ذیل به ترتیب به تحلیل بندهای داستان که در سطح دوم از این انگاره مورد بررسی قرار گرفتند، خواهیم پرداخت.

بند اول: در این بند، فضاسازی ابتدای داستان جهان زیرشمول اشاره‌ای نویسنده را در و خیم بودن عاقبت ملاحق‌نظر پیش‌بینی میکند. جهان زیرشمول اشاره‌ای نشان از نقل‌قول مستقیم و عقب‌گرد زمانی است. جهان زیرشمول نگرشی و معرفتی دیده نشد.

بند دوم: زمان فعلهای بکاررفته در این بند، گذشته است. بدین ترتیب نوعی جهان زیرشمول اشاره‌ای ایجاد میشود که با عقب‌گرد زمانی همراه است. جهان نگرشی حاکم بر این بند بیانگر باور و رضایت افراد حاضر در داستان از وضعیت موجود است. جهان زیرشمول معرفت‌شناسی با قیدهای «مبادا، اغلب» و استعاره‌های «زمان شیء است - حيله و نیرنگ شیء است - فکر کالا است - چشم شیء نورانی است» ساخته میشود.

بند سوم: در این بند، جهان زیرشمول اشاره‌ای نشان از تغییر مکان (منظور از بیرون به خانه آمده) و تغییر متکلم از دانای کل به بقا دارد، و نقل‌قول مستقیم است. کاربرد قید زمان «یک روز غروب» در جهان زیرشمول اشاره‌ای این نکته را به ذهن می‌آورد که تولد این پسر در واقع غروب زندگی بی حس و شور این خانواده است. همچنین جهان زیرشمول نگرشی و معرفت‌شناسی در این بند وجود ندارد.

بند چهارم: جهان زیرشمول اشاره‌ای این بند به عقب‌رفت زمانی و بیادآوری خاطراتی که ملاحق‌نظر در گذشته داشته اشاره دارد. جهان زیرشمول نگرشی نیز به «بعد از شصت و شش سال، از خوشحالی پسر دار شدن اشک شوق در چشمان ملاحق‌نظر حلقه زد» اشاره میکند. جهان زیرشمول معرفتی با استعاره «هوا/ تنفس دریا است» مشخص میشود. همچنین، در استعاره «نقش بستن لبخند»، گویی لبخند طرحی زیباست که بر صفحه صورت نقش میندند و شکل میگیرد.

بند پنجم: در اینجا، جهان زیرشمول اشاره‌ای با عقب‌گرد زمانی و نقل‌قول مستقیم همراه است. تفاوت گفتار ملاحق‌نظر در این بند با بند ابتدایی داستان در نوع چرخش زبان در دهان او است. وی در جهان نگرشی خود به هدفی رسیده که سالها بدنبال آن بوده و اکنون با غرور و افتخار خاصی «زبان» در دهان می‌چرخاند. در این بند، جهان زیرشمول معرفت‌شناختی یافت نشد.

1. attitudinal sub-world

2. epistemic sub-world

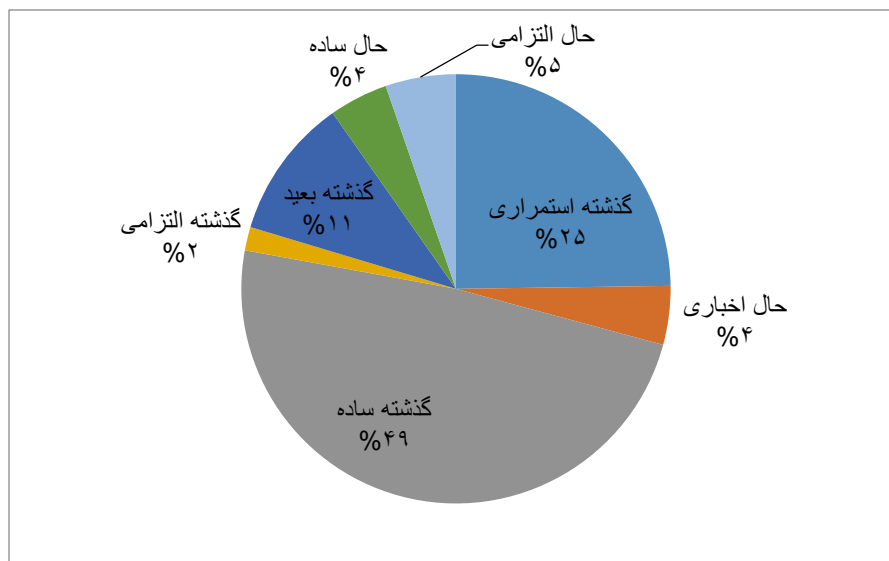
بند ششم: در این بند، جهان زیرشمول اشاره‌ای بیانگر اشاره به زمان آینده و نقل قول مستقیم است. جهان نگرشی باور با فعل «میدانست» مشخص شد و کاربرد فعل منفی «فکر و ذهنی نداشتند»، عبارت «مثل این بود» و استعاره‌های «خوشحالی روشن است- مهمان‌نوازی مکان است- پول ماده متحرک است- عشق شیء است» جهان فرضی معرفتی را نشان میدهد. همچنین پیرمرد در جهان زیرشمول معرفت‌شناختیش مدام بین گذشته و آینده در حرکت است. او وابسته و دلبسته گذشته خود است، اما آینده را پر از تشویش و استرس میبیند. شک و گمان از وقوع اتفاقات ناخوشایند در آینده وجود او را فرا گرفته است.

بند هفتم: جهان زیرشمول عبارت اشاره‌ای جلورفت زمانی را در این بند نشان میدهد. فعلهای «میل داشت و عقیده داشت» بیانگر جهان نگرشی هستند. اختلاف در جهان نگرشی سارا و ملاحق نظر از نظر اهداف در این بند بیان میشود. هدف ملاحق نظر در جهان نگرشش مادی، معنوی و معمولی است اما هدف سارا صرفاً مادی و آرمانی است. تقابل دو واژه «دنیا و آخرت»، تکرار واژه «شهر» و کاربرد استعاره «آگاهی پنجره است» نشانه‌هایی از جهان زیرشمول معرفت‌شناختی است.

بند هشتم: با توجه به فعلهای گذشته و نقل قول مستقیم در اول این بند و سپس جمله آخر این بند «که با اقتصادپون درجه اول دنیا داخل مباحثه بشود» وارد جهان زیرشمول عبارات اشاره‌ای زمان آینده میشود. جهان نگرشی باور با فعل «فهمیدند» مشخص میشود. در جهان معرفت‌شناختی، کاربرد استعاره موجود در جمله ابتدایی بند روح مادی حاکم بر کل داستان را یادآوری میکند. سخن گفتن بمتابۀ دری است که باز میشود و ناظرین از فضای وجودی و رای در آگاه میشوند.

نتیجه‌گیری

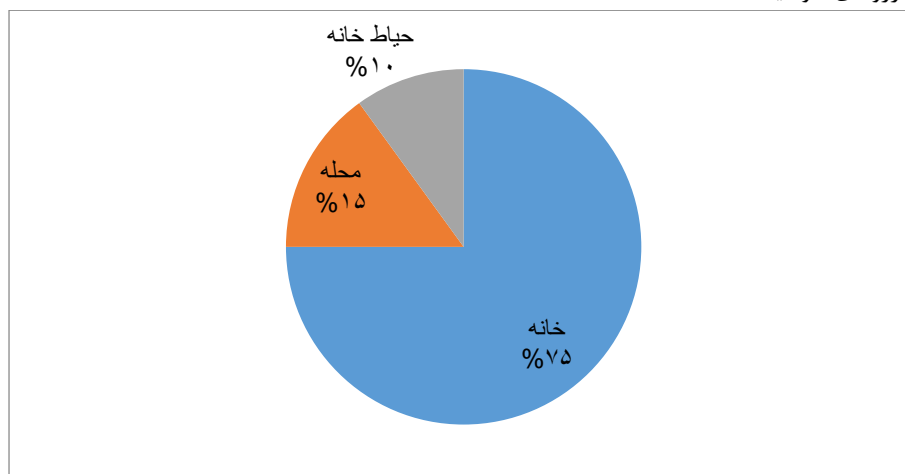
در این پژوهش براساس انگاره جهانهای متن به این نتیجه رسیدیم که در بین عناصر جهان‌ساز، «زمان» و «مکان» از بسامد بالایی برخوردار هستند و علت این است که در داستان شخصیتها اولاً محدود هستند و همان شخصیتهای محدود، محصور در زمان و مکان هستند و گویی سرنوشت آنها قرار است در همان زمان و مکان رقم بخورد. به استثنای انتهای داستان که تغییر وضعیت عناصر جهان‌ساز، از نظر زمان و مکان، تغییر سرنوشت آنها را نیز به همراه دارد. در نمودار زیر به بررسی عناصر زمان و سپس مکان میپردازیم.



نمودار ۱. درصد فراوانی عنصر زمان در عناصر جهان‌ساز «قضیه آقابالا و اولاده لیمیتد»

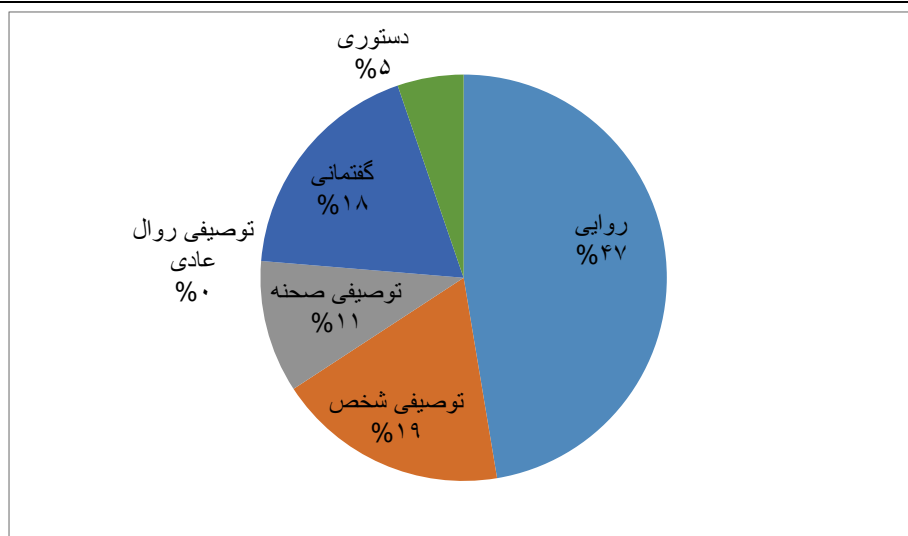
با دقت در نمودار فوق متوجه می‌شویم که گذشته ساده بیشترین بسامد را دارد و علت آن این است که هدایت می‌خواهد ذهن خواننده را درگیر گذشته این خانواده کند و سپس با استفاده از گذشته استمراری خواننده را در گذشته به حرکت وادارد.

در عنصر «مکان» بعنوان یکی از عناصر جهان زیرشمول اشاره‌ای، تلاش هدایت برای تصویر کشیدن خانه شخصیت‌های داستان است. پدر خانواده که دوره‌گردی پیشه او است، اکنون سرمست از تولد پسر است و خانه را محل آرزوهای خود یافته است.



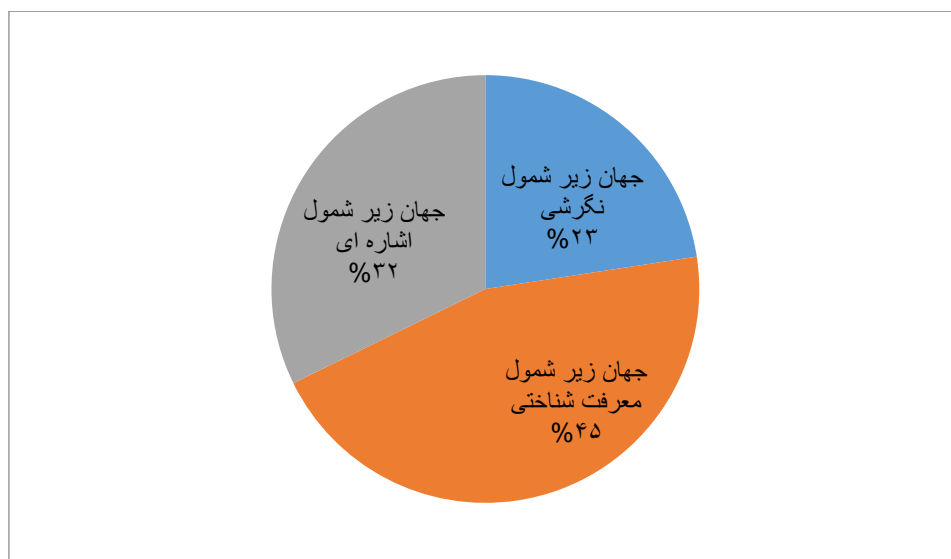
نمودار ۲. درصد فراوانی عنصر مکان در داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی لیمیتد»

عناصر نقش‌گستر در این داستان به قرار می‌باشد:



نمودار ۳. درصد فراوانی گزاره‌های نقش‌گستر در داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی لیمیتد»

در این بخش نیز بلحاظ ماهیت داستانی بودن عنصر روایی در درجه اول است و سپس توصیفی شخص در درجه دوم قرار دارد. گفتمان بین دو شخصیت داستان بیشتر اسنادی است و بر حول محور فرض و نتیجه می‌چرخد. نمای کلی جهانهای زیرشمول در این داستان به این صورت است:



نمودار ۴. درصد فراوانی جهانهای زیرشمول در داستان «قضیه آقابالا و اولاده کمپانی لیمیتد»

علت فزونی یافتن جهان زیرشمول معرفت‌شناختی این است که بنیان این داستان بر امید و آرزو و «ای‌کاش» بنا شده است. جملات شرطی فزونی می‌یابد؛ اگرچه ممکن است ساختار شرطی نداشته باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان‌شناسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه استخراج شده است. آقای دکتر مسعود دهقان راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم بهناز وهابیان به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر ابراهیم بدخشان و سرکار خانم دکتر اکرم کرانی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است. و میزان مشارکت نویسندگان سرکار خانم بهناز وهابیان ۳۰ درصد و آقای دکتر مسعود دهقان ۴۰ درصد و آقای دکتر ابراهیم بدخشان ۱۵ درصد و سرکار خانم دکتر اکرم کرانی ۱۵ درصد می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Afrashi, A. (2016). A Text world Analysis of a Short Story: The Case Study of Farewell [Veda'] by Jalal e Al e Ahmad. *Journal of Linguistics Society of Iran*, 12(23), 17-38.
- Canning, P. (2017). Text World Theory and real world readers: From literature to life in a Belfast prison. *Language and Literature*, 26(2), 172-187.
- Freeman, M. (2000). Poetry and the Scope of Metaphor: Toward a Theory of

- Cognitive Poetics. In *Metaphor & Metonymy at the Crossroads*, Ed. A. Barcelona, The Hague: Mouton de Gruyter, 253-281.
- Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Giovanelli, M. (2013). Text world theory and Keat's the Cognitive of Desire, Dreams and Nightmare. Bloomsbury Academic.
- Golfam, A, Rovshan, B & Shirreza, F. (2015). The Application of Text World Theory to Recognize Narrative Elements in Shazdeh Ehtejab: A Cognitive Poetics Approach, 5 (5), pp. 183-206
- Hedayat, S. (1975). *Vaq Vaq Sahab*. Tehran: Javidan.
- Hidalgo Downing, L. (2003). Text world creation in advertising discourse. Spain: *Universidad Autónoma Madrid*. 67-88.
- Lahey, E. (2004). All the World's a Subworld: Direct Speech and Subworld Creation in "After" by Norman Mac Caig. Nottingham: Nottingham university press. *Nottingham Linguistic Circular*, pp.21-28.
- Sadeghi Esfahani, L. (2010). A Text World Elements Study Based on Cognitive Poetics in "The Cheetahs That Run with Me [Yuzpalangani ke ba man davidehand] by Bizhan Najdi, *Literary Criticism*, 3(10), pp.143-174
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. NewYork: Routledge.
- Tsur, R. (2002). *Toward a Theory of Cognitive Poetics*. Amsterdam: North Holland.
- Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.
- Zlatev, J. (2009). Phenomenology and Cognitive Linguistics, in *Handbook on Phenomenology and Cognitive Science*. Ed. Shaun Gallagher and Dan Schmicking. Dordrecht: Springer, pp. 415-446.

فهرست منابع

- بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوطیقای شناختی در «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» اثر بیژن نجدی، صادقی اصفهانی، لایلا (۱۳۹۰). نقد/دبی، (۱۰) ۳، صص ۱۷۴-۱۴۳.
- تحلیل داستان در نظریه جهان‌های متن، افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). مطالعه موردی: وداع اثر جلال آل احمد. زبان و زبان‌شناسی، (۳۸) ۱۲، صص ۱۹۷-۱۴۶.
- کاربرد نظریه جهان متن در شناسایی عناصر سازنده متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای رویکرد شعر-

شناسی شناختی، گلفام، ارسلان، روشن، بلقیس و شیررضا، فرزانه (۱۳۹۱). *جستارهای زبانی*، شماره ۵،

صص ۲۰۶-۱۸۳.

وغوغ ساهاب، هدایت، صادق (۱۳۱۲). تهران: جاویدان.

معرفی نویسندگان

بهناز وهابیان: دانشجوی دکتری گروه زبان انگلیسی و زبانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(Email: vahabian_behnaz@yahoo.com)

مسعود دهقان: استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

(Email: m.dehghan@uok.ac.ir) (نویسنده مسئول)

ابراهیم بدخشانی: دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

(Email: ebadakhshan@uok.ac.ir)

اکرم کرانی: استادیار گروه زبان انگلیسی و زبانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(Email: korani222@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Behnaz Vahabian: PhD student, Department of English and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

(Email: vahabian_behnaz@yahoo.com)

Masoud Dehghan: Department of English and Linguistics, *University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran.*

(Email: m.dehghan@uok.ac.ir : Responsible author)

Ebrahim Badakhshan: Associate Professor, Department of English and Linguistics, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

(Email: ebadakhshan@uok.ac.ir)

Akram Korani: Assistant Professor, Department of English and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

(Email: korani222@gmail.com)